

نکاتی برگرفته از خرده گویش های قصران

گیتی دیهیم (دانشگاه شهید بهشتی)

چکیده: در این مقاله برخی ویژگی های زبانی خرده گویش های منطقه قدیمی قصران (لواسانات، شمیرانات، تهران، ...)، که بر روی نوار ضبط شده، آمده است. از جمله این ویژگی ها، حفظ آوای /v/ قدیمی آغاز واژه ها، حفظ آوای /a/ قدیمی پایانی واژه ها، تکرار یک واژه برای جمع بستن آن، و کاربرد متفاوت ضمیرهای تو / شما در مقایسه با گونه تهرانی است که همراه با مثال هایی ارائه می گردد.

کلیدواژه ها: گویش قصران، خصوصیات آوایی، ضمائر، صرف افعال

از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ به بررسی خرده گویش های ناحیه قدیمی «قصران» که در گذشته شامل لواسانات، شمیرانات، تهران، کن، سولقان و ... بوده است و امروز به بخش کوچکی از آن «رودبار قصران» گویند مشغول بودم. نتیجه این پژوهش اخیراً به صورت کتاب بررسی خرده گویش های منطقه قصران به انضمام واژه نامه قصرانی منتشر شده است. (دیهیم ۱۳۸۴)

برای انجام این پژوهش در ابتدا خود و سپس یکی از دانشجویانم به روستاهای مختلف در این ناحیه رفتیم و از گویشوران (پیرترها) خواستیم که به مدت یک ساعت در مقابل ضبط صوت ما صحبت کنند و از خاطرات خود، رسوم منطقه یا قصه های گذشتگان سخن گویند. بدین ترتیب نمونه هایی از زبان صد روستا به دست آمد که اساس کار ما قرار گرفت. در این ناحیه به ویژگی های زبانی قابل توجهی برخوردیم که در زیر، به اختصار، به چند مورد آنها می پردازیم.

الف) برخی از خصوصیات آوایی حفظ شده از زبان‌های ایرانی قدیم برخی ویژگی‌های زبان‌های ایرانی، که در گونه معیار فارسی و برخی از گوش‌های آن دیگر کاربرد ندارد، هنوز در گونه‌های رایج در منطقه مورد بررسی مشاهده می‌شود:

(۱) واج /v/ قدیمی آغازی، که در فارسی معیار تبدیل به /b/ شده است، در واژه‌هایی مانند /vahmen/ «بهمن»، /varan/ «باران» و /vara/ «برّه» مشاهده می‌شود.

(۲) /a/ پایانی که امروزه در گونه‌های تهرانی و ... مبدل به /e/ شده است، همچنان در واژه‌هایی مانند /bezxala/ «بزغاله»، /jend3a/ «یونجه» و /vetftfa/ «بچه» مشاهده می‌شود.

(۳) /es/ و /ef/ در جایگاه آغازی واژه، به جای /fe/ و /se/ در برخی گونه‌های امروزی، مانند /efgam/ «شکم»، /esbid3/ «شپش» و /esbi/ «سفید».

(۴) واژه کشیده قدیمی /e:/ در واژه‌هایی مانند /me:duressam/ «می دانستم»، /fe:rni/ «شیرینی» و ... مشاهده می‌شود.

نکته قابل توجه دیگر، از نظر آوایی، وجود اتّفاقی دو مصوت /y/ و /ø/ در برخی واژه‌ها در نقاط شمالی‌تر این ناحیه است. این مصوت‌ها، برای مثال، در واژه‌هایی مانند /gøsen/ «گوسفند»، /dabø/ «بود»، /hyfdak/ «سوت» و /d3yr/ «جور» شنیده می‌شود.

ب) ضمائر خطاب

نکته قابل توجه در زبان‌های این مناطق کاربرد ضمائر خطاب «تو/شما» است. ضمیر «شما» به منظور احترام به یک شخص یا به دلیل ناآشنایی با او – آن‌طور که در گونه تهرانی رسم است – به کار نمی‌رود و گویشوران بدین منظور همان «تو» را به کار می‌برند، مانند:

ما همیشه به شما احترام می‌گذاریم.

ema hamifa tore e:teram komi. (دربندسر)

ma hamifa be to e:teram daminim. (تک مزرعه)

شما بروید خانه‌تان، من می‌آیم.

to bur xonat men ejma. (دربندسر)

to bufu xonat man ba:dan mijom. (تک مزرعه)

اما ضمیر «شما» را برای خطاب به چند نفر به کار می برند:
شماها گوسفندهای ما را بردید و خوردید.

fema ameni gosenda baverdeni baxordeni. (دریندسر)

foma gūspandhaje more babordin o baxordin. (تک مزرعه)

من دیگر با شماها حرف نمی زنم.

men dijar ba fema harf nazema. (دریندسر)

man dija ba foma harf namzanam. (تک مزرعه)

ج) تکرار در جمع

جمع بستن واژه با تکرار کردن آن رایج ترین نوع جمع بستن در مناطق شمالی قصران است:

گوسفندها	gosen gosen
پسرها	rik rika
گردوهای خوشمزه	dʒuz dʒuz xofmezza
بچه های زشت	sil sil(e) jal
بچه های ما قشنگ اند	ameni jemjal qafang qafangena

د) صرف افعال

افعال در این زبان ها، ضمن داشتن تفاوت با گونه تهران، شباهت هایی نیز با آن دارند. در زیر صرف دو صیغه فعلی ماضی و مضارع را، به ترتیب، در مناطق شمالی تر و جنوبی تر در کنار هم آورده ایم:

bengesdan انداختن	burdan رفتن
(مضارع اخباری)	(ماضی بعید)
mengenam	burdbejma
mengeni	burdbi
mengene	burdbe
mengenim	burdbejmi
mengenin	burdbejni
mengenan	burdbejna

ه) برخی واژه‌های قدیمی

تعدادی از واژه‌های اصیل فارسی، که دیگر در گونه معیار به کار نمی‌روند، هنوز در این منطقه رواج دارند:

hambona	انبان	pojandaz	فرش
xara	بزرگ، انبوه	po ^w zar	کفش
paridʒen	پرویزن	gusi kerdan	گسیل کردن
daxotan	خفتن	vahef dan	هشتن
dida	چشم	hima	همیمه

و) برخی تلفظ‌های متفاوت

در خاتمه صورت مصطلح چند واژه را که، به گمان پژوهشگر، در اثر پدیده «ریشه‌شناسی عامیانه» تغییر آوایی یافته‌اند می‌آوریم:

asmun qolomba	آسمان غرنبه	supul	ژیگول
havas havas	به این زودی‌ها	sahm	سَم
talxina	ترخینه	fabaq	شفق
taf gil dʒenaza	تشییع جنازه	maqberesdun	قبرستان
t farbidari	چارواداری	dʒandar	ژاندارم
xarmezda	خریزه	melarza	ملازه
zambaq	زنبه		

منابع

دیهم، گیتی (۱۳۸۴). بررسی خرده‌گویی‌های منطقه قصران به انضمام واژه‌نامه قصرانی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
کریمان، حسین (۱۳۵۶). قصران (کوهساران). تهران: چاپخانه بهمن.

